

۱۱- مذهب و ستم جنسی: میدان دیگر مبارزه علیه ایدنولوژی

سکسیستی، در زمینه مذهب است. در تمام جوامع طبقاتی عقاید مذهبی به وسیله کلیساهای سازماندهی شده که اغلب با رژیم پیوند خورده، رشد کرده و جاودانی می شوند. این عقاید نقش کلیدی در تجویز و پیاده کردن ایدنولوژی ستم بر زنان هم دارند. در غرب، ادیان مسیحی و یهودی که هر دو مبتنی بر ایدنولوژی هائی بودند که ما قبل از سرمایه داری، و در جوامع بشریت پدرسالاری شکل گرفتند، هنوز هم پس از قرن ها دکتترین زیر دست بودن زنان را موعظه می کنند. این دکتترین نتیجه ای عملی برای میلیون ها زنان به بار آورده است.

قوانین کلیساهای کاتولیک علیه استفاده از راه های جلوگیری از بارداری و استفاده از حق سقط جنین، نمونه های بارزی هستند. در کشورهای امپریالیستی، این قوانین می توانند ایجاد مصائب و مشکلات در رابطه با بارداری ها و بچه های ناخواسته، بکنند. در کشورهای نیمه کلونیزه، این نوع بدبختی ها و مشکلات، بر میزان فقر موجود افزوده شده و در نتیجه ابعاد آن ها وسیع تر می شوند.

در آمریکای لاتین، قاره ای که ایدنولوژی کاتولیکی بر آن غالب است، دکتترین واپسگرای کلیسا که تحمل عقاید آزادی خواهی را ندارند، عملاً به قتل توده ای زنان منتهی می شود. زیرا که صرف منع کردن حق سقط جنین، باعث جلوگیری از سقط جنین نمی شود. بلکه به رونق کار غیرقانونی دکان قصاب هائی می انجامد که باعث مرگ بی مورد عده ی زیادی از زنان می گردند. هدف از ایجاد چنین قانون هائی علیه سقط جنین جز استفاده از امکانات جلوگیری از بارداری، تضمینی است برای جلوگیری از دادن حق باروری زنان به خودشان است، علاوه بر این، چون هدف از داشتن روابط جنسی تنها تولیدمثل است، کلیسا به زنان می آموزد که داشتن روابط جنسی خارج از چهارچوب ازدواج و در ازدواج، داشتن روابط جنسی به منظور لذت بردن، ممنوع است.

عقاید موهوم موجود در ادیان مسیحی و کلیمی که به طور استنادانه تهیه شده اند، از تعالیم واپس گرانی که به زنان داده می شود. حمایت می کنند. افسانه ی حوا، داستان زن لوت که فرمان بردار نبود در تورات، یا پرستش مریم باکره، هم ترسیم زمانی است که خدمه خانگی مردان بوده و چنان چه نافرمانی می کردند، مانند زن لوت، تنبیه می شدند. منظور اصلی از این همه عقاید مذهبی، جنبه تقدس دادن به خانواده و ساختار آن بر محور تسلط مرد، بوده است. خصلت خانواده در جوامع طبقاتی مختلف تغییر کرده و مذهب این تغییرات را با دکترین خود منعکس کرده است.

اما محتوی واپسگری آموزشی های دینی در باره زنان و خانواده از نظر کیفی هم چنان باقی مانده است. این آموزشی ها در واقع تجلی بارزی از تمایل گذشته مرده به ننگر انداختن بر روی زمان حاضر زنده است.

این امر حتا زمانی که ایدئولوژی مذهبی سعی در فراهم آوردن تجملات رهانی بخش می کند، نیز مصداق دارد. مانند تغییراتی که در درون کلیسا کاتولیک در زمینه علوم الهیات آزادی بخش، بالاخص در آمریکای لاتین ملاحظه می کنیم. این علوم، بر علیه خشونت های به حق در مقابل ستم امپریالیستی، باز هم بر سر مسائل اجتماعی کلیدی در باره زنان، برخوردی واپسگرا نموده و بندهای خود را با کلیسا حفظ می نماید. مذاهب به طور کلی دیدگاهی واپس گر نسبت به پیشرفت انسان و به طور خاص نسبت رهانی زنان از ستم و تساوی حقوق آنان با مردان، دارند زیرا که همه مذاهب تکیه بر اعمال شخصی داشته و مسئولیت اعمال انسان را به قدرتی فراسوی خود انسان می سپارند و بدین ترتیب تکیه بر حس بی قدرت و ضعیف بودن انسان را تقویت می کرده و در نتیجه امکان استقلال داشتن و متکی به نفس بودن را از انسان می گیرند.

حتا مذاهب شرقی نیز از این امر مستثنی نیستند و از نظر کیفی با مذاهب غربی فرقی ندارند. مذاهب هندی، بودا و اسلام با وجود تفاوت هائی که با مذاهب مسیحی و

کلیمی دارند، اما باز هم مانند همه مذاهب، جهت توجیه نظم موجود، به وسیله انسان اختراع شده و برای زن نقشی زبردست در اجتماع و خانواده تعیین می کنند. امروزه دین اسلام در جبهه مقدم ضدانقلاب علیه زنان آفریقای شمالی و خاور نزدیک قرار دارد. رفتاری که هم چون کالا با زنان در افغانستان می شود و هنوز هم در میان قبایل شورشی اسلامی آن جا، قیمت گذاشتن بر روی عروس (مهریه) متداول است و در جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «غرب زدائی»، اجرا قوانین اسلامی در رابطه با رعایت حجاب و مجازات در برابر زنا مجدداً معمول گشته است، همه نشان دهنده خطراتی است که در اسلام زنان را تهدید می کنند. هیچ میزانی از قدرت کلام علیه امپریالیسم و یا هیچ میزانی از حرف و شعار تو خالی در باره احترامی که اسلام برای زنان قائل است، نمی تواند تأثیر مخروب آن را بر روی زندگی زنان پنهان کند.

مارکسیست ها موظف هستند که با جریانات سازماندهی شده مذهب بجنگند، در حالی که به حقوق فردی انسان ها در انتخاب دین و آیین پرستش، احترام می گذارند. ما نمی توانیم به مذهب به عنوان چیزی صرفاً خصوصی نگاه کنیم. ما برای رهایی از چنگال ایدئولوژی مذهبی باید با استفاده از تبلیغات ماتریالیستی مبارزاتی، به کمپین بپردازیم. ما با کوشش کلیسا در حفظ کنترل بر زندگی خصوصی مردم جنگیده و در این راه از برنامه هائی مانند آموزش غیرمذهبی مسائل جنسی، حق سقط جنین و حق استفاده از روش های جلوگیری از بارداری و مانند این ها حمایت می کنیم. ما در حقیقت، برای به عمل در آوردن واقعی این خواسته ابتدائی و دموکراتیک بورژوازی یعنی جدائی همه کلیساها از همه دولت ها مبارزه می کنیم.